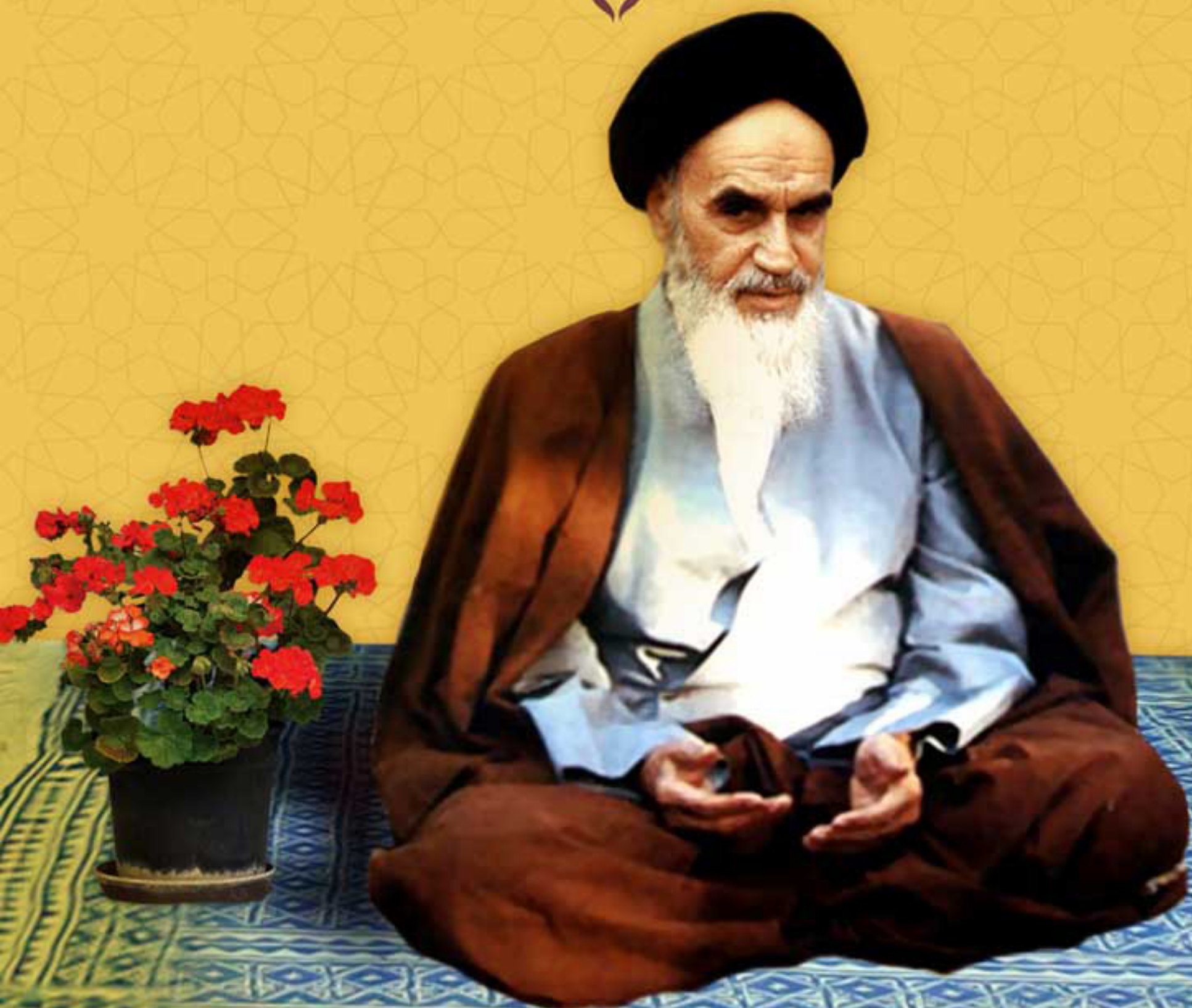




کوچ نشینان منشأ برکتند نه کاخ نشینان

جستاری در بیانات رهبر کبیر انقلاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

کوخ و کاخ تنها دو نقطه متضاد نیستند که دسته ای از انسانها، فقرا یا ثروتمندان را در خود جای می دهند بلکه تداعی کننده دو فرهنگ و خلق و خو هستند. از این رو ست که کوخ نشینها و کاخ نشینها اهمیت پیدا می کنند و وقتی به تاریخ نگریسته شود رد پای آنها در نبرد حق و باطل مشاهده می شود. در یگانه مبارزه تاریخی بشر که در هر عصری به صورتی ادامه یافته است همین دو گروه مقابل یکدیگر قرار گرفته اند؛ مستکبرانی که جریان باطل نمرودی و فرعون را حمایت می کرده اند و مستضعفانی که فطرت پاکشان مجذوب پیام الهی فرستادگان پروردگار می شد و به یاری آنها به پامی خاستند. این تقابل در انقلاب اسلامی نیز به وقوع پیوست، کوخ نشینهای عصر ما به ندای خمینی کبیر لبیک گفتند و امام راحل هرگز نقش آنها را در پیروزی نهضت اسلامی از یاد نبردند. در نگاه پیر خمین، کوخ نشینها صاحبان اصلی انقلاب اسلامی هستند که در همه صحنه ها از خود گذشتگی نشان داده و برای پیشبرد انقلاب اسلامی تلاش کرده اند. مسئولین باید خود را خدمتگزار آنها بدانند و از طرف دیگر مراقب باشند دچار خوی کاخ نشینی نشوند که باعث ایجاد انحراف در مسیر انقلاب اسلامی خواهد شد. این جزوه جستاری است در بیانات رهبر کبیر انقلاب پیرامون این مفهوم



کوخ اصحاب کساء

ما یک کوخ چهار پنج نفری در صدر اسلام داشتیم، و آن کوخ فاطمه زهرا - سلام الله علیها - است. از این کوخها هم محقرتر بوده لکن برکات این چی است؟ برکات این کوخ چند نفری آن قدر است که عالم را پر کرده است از نورانیت و بسیار راه دارد تا انسان به آن برکات برسد.

این کوخ نشینان در کوخ محقر، در ناحیه معنویات آن قدر در مرتبه بالا بودند که دست ملکوتیها هم به آن نمی‌رسد؛ و در جنبه‌های تربیتی آن قدر بوده است که هر چه انسان می‌بیند برکات در بلاد مسلمین هست و خصوصاً در مثل بلاد ماها، اینها از برکت آنهاست. خود رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - که در رأس همه واقع است زندگی کوخ نشینی داشته است. خیال نشود که یک اتاق، حتی یک اتاق نظیر اتاق متوسط این جامعه داشته‌اند. چند تا حجره داشته‌اند، حجره‌های محقر. و این شخص عالی مقام از همین حجره محقر نورش به ملک و ملکوت افتاده است و سعه تربیتش در تمام جهان توسعه پیدا کرده است.^۱





کوخها منشأ برکاتند نه کاخها

انسان گمان می کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانکها سرمایه داشته باشد، در تجارت چه باشد، شاید انسان این گمان را می کند، لکن ما وقتی که ملاحظه می کنیم و سعادتها را سنجش می کنیم، می بینیم که سعادت مندا آنهايي بودند که در کوخها بودند. آنهايي که در کاخها هستند سعادت مند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخها پیدا نمی شود.^۲





کوخ نشینان سرمایه این مملکت اند

خداوند به همه شما توفیق عنایت کند. و من وقتی شما را، این چهره‌های انسانی، نورانی، خدمتگزار را می‌بینم مباهات می‌کنم به اینکه مملکت ما این طور است. دنیا الآن نظرش به مملکت ماست. نه به آن طبقه؛ به شما. نه به آن طبقاتی که سابق هم سر همه کارها بودند، و الآن هم شما می‌گویید که اتومبیل‌هایشان، بچه‌هایشان را می‌برند به مدرسه، و از همین اتومبیلها هست و به ما نمی‌دهند برای جهاد سازندگی! دنیا به شما نظر دارد؛ نه به این اتومبیل سوارها؛ نه به اینهایی که در کاخ می‌نشینند. کوخ‌نشینها هستند که مؤونه این مملکت و سرمایه این مملکت‌اند؛ نه آن کاخ‌نشینها. خداوند این کوخ‌نشینها را برای ما حفظ کند. و خداوند این مسلمینی که تعهد دارند برای اسلام، این جوانهایی که خدمت دارند می‌کنند به کشور خودشان، خدمت دارند می‌کنند به اسلام، خداوند برای ما حفظ کند. خداوند همه شما را، خواهرها را، برادرها را حفظ کند و قدرت، عنایت کند. مطمئن باشید که با این روحیه‌ای که دارید پیروز هستید. و نمی‌تواند کسی بر شما غلبه کند؛ و شما بر همه غلبه خواهید کرد.^۳





انقلاب ما مرهون این طبقه است

من باید از قِبَل همهٔ ملت - امیدوارم که ملت این حق را به من داده باشد - از همهٔ این جنگنده‌ها - خلبانان نیروی هوایی - و همهٔ این خدمتگزارها که دارند در سرحدات جان خودشان را فدای اسلام و کشور می‌کنند، تشکر کنم و ملت پشتیبان آنهاست. و همینطور نیروی زمینی و پاسدارها و همه در این مسائل فعالیت شجاعانه‌ای می‌کنند و مورد تقدیر ملت هستند. آنها هم از طبقه محروم‌اند. در بین همهٔ این خلبانها و همهٔ این پاسدارها و همهٔ این ژاندارمری و ارتش شما یکی را پیدا نمی‌کنید که از بالا شهری باشد. همهٔ آنها از این طبقه هستند. پس انقلاب ما مرهون این طبقه هست. این طبقه هستند که این نهضت را بپا کردند و قیام کردند و به پیش بردند و همین طبقه هستند که الآن در سرحدات مشغول فداکاری هستند و همین طبقه هستند که برای ملت ما ارزش ایجاد می‌کنند و شجاعت آنها به همهٔ دنیا ثابت می‌کند که این طبقاتی که مشغول به فعالیت هستند در شجاعت فوق آن چیزی است که تصور می‌کنند.^۴





شما زاغه نشینان شرافت دارید بر کاخ نشینان

شما طبقه جوان برومند زاغه نشین بر آن اشخاص کاخ نشین شرافت دارید. و شما هستید که اسلام را حفظ کردید و نهضت را پیش بردید. و امیدوارم از این به بعد هم شما باشید که تا آخر برسانید این نهضت را. خداوند همه شما را حفظ کند. و من هم دعاگوی شما، و هم خدمتگزار شما هستم.^۵





فداکاری محرومین از خصوصیات انقلاب اسلامی

ما هر روز شاهد یک پیروزیهایی در جبهه‌ها هستیم [بواسطه] همه آنها که سرتاسر این جبهه‌ها فعالیت می‌کنند و آنها هم از همین طبقه محرومند، لکن طبقه فوق همه طبقات هستند. چنانچه شما هم و همه کسانی که، زن و مردی که، در پشت جبهه هستید همه مشغول به فداکاری و مشغول به جنگ هستید. آنها در جبهه جنگ می‌کنند و شما در پشت جبهه و این از خصوصیات انقلاب اسلامی است، این از خصوصیات اسلام است، این از چیزهایی است که اسلام تعلیم کرده است بر شما.

و شما از روز اول قیام کردید و برای اسلام قیام کردید و الآن هم چون حکومت خودتان را اسلامی می‌دانید و ارتش خودتان را اسلامی می‌دانید، از این جهت، همه با هم بدون اینکه در فکر این باشید که یک افتخاری برای خود، شخص خودتان، ایجاد کنید، مشغول هستید به فداکاری و شاید در دنیا نظیر نداشته باشد این نحوی که در ایران ملت از ارتش پشتیبانی می‌کند. در دنیا شاید بی نظیر باشد و شاید در طور تاریخ هم نظیری برایش نتوانیم پیدا بکنیم که بچه‌های کوچک و جوانهای نیمسال و زنها، پیرزنها، نوجوانها، نودامادها، همه با هم در این جبهه حاضرند و صحنه جنگ، صحنه‌ای است که ملت همه در آن حاضر هستند.^۶





محرومان صاحبان اصلی نهضت و کشور

مملکت مال خود شماست؛ مال جوانهای ماست. مملکت مال این زاغه نشینان اطراف تهران است. که من خدا می داند برای اینها غصه می خورم. و برای اینها تا حالا فکری نشده. مملکت مال اینهاست. نهضت را اینها پیش برده اند. در یکی از روزهایی که تلویزیون نشان می داد اطراف تهران را، یکی از او پرسید که شما چه می کردید؟ می گفت که - یک پیرمردی تقریباً بود، با یک عده از یک سوراخی بیرون آمد! از یک جایی که جای انسان نبود بیرون آمد - گفت؛ ما صبح که می شود می رویم به تظاهر. زندگیشان این بود و صبح می رفتند تظاهر؛ می رفتند کمک می کردند به ملت. ما مرهون اینها هستیم. ما زندگیمان را اینها اداره می کنند. اینها اداره کردند. این جمعیت و امثال این جمعیت؛ جوانها؛ جوانهای دانشگاهی، جوانهای اداری، آنهایی که پیوند با ملت داشتند، بازاری، کشاورز، کارگر، همه اینها. آن طبقه بالا به ما کاری نداشتند. حالا هم کارشکنی می کنند و همه چیز می خواهند، می گویند مغزها فرار کردند! بگذار فرار کنند.^۷





محرومان و مستضعفان، پیشتازان انقلاب

همه، ملت اسلام و تابع قرآن و از گروه زحمتکشان این کشور هستید. انقلاب اسلام، این انقلاب مهم اسلامی، رهین کوششهای این طبقه - محرومین - است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ‌نشینان بالاتر می‌دانم؛ اگر آنها لایق این باشند که با شما مقایسه بشوند. من وقتی که در انقلاب می‌دیدم که یک پیرمردی از آن گودنشینها از آن منزل محقر خرابه بیرون می‌آمد و می‌گفت که ما با بچه‌هایمان صبح که می‌شود می‌رویم برای تظاهرات، [مباهات می‌کردم]. یک موی شما بر همه آن کاخ‌نشینها و آنهايي که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند، بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می‌توانستند می‌کردند و الآن هم هر مقدار که بتوانند می‌کنند، یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد؛ بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد. شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروههایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم [بودند] و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ‌نشینها آنها را استضعاف می‌کنند و اینها ثابت کردند که کاخ‌نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده‌اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد.

این دانشگاه بود، جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین‌اند و این طبقه محروم جامعه بود که از همه رفاهها محروم بود، لکن قلبش مملو از



عشق به اسلام و ایمان بود و با آن عشق و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد^۸





مشت گره کرده محرومین در برابر ابر قدرت ها

شما هستید که کشور را از دست ابرقدرتها نجات دادید و این طبقه عزیز محروم که در ازای خدمتش غیر از خدا از کس دیگری چیزی نمی خواهد و ما همه رهین منت شما هستیم و اگر لایق باشیم، خدمتگزار شما. شما بودید که در میدانها، در خیابانها، اجتماع کردید و با مشت گره کرده در مقابل توپ و تانک و مسلسل و اینها ایستادید و با ایستادگی و شجاعت، زن و مرد شما، بزرگ و کوچک شما، فداکاری کرد و شهید داد تا غلبه کرد. و الآن هم که در جبهه‌ها جنگ است، باز این طبقه محرومند که در تلویزیون نشان می دهد مشغول خدمت هستند. آن کاخ نشینها یک شاهی خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد. آنها اگر مشغول افساد و فساد نباشند، بی تفاوت هستند.^۹





خوی کاخ نشینی مضر است

ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدایم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ نشینی به پایین بکشید، خود کاخ نشینی این خوی را می آورد، ممکن است که در بین آنها هم کسی پیدا بشود لکن نادر است. توجه کنید که این ملتی که الان کوخ نشینانش مشغول فعالیت هستند و مشغول به زحمت هستند در جبهه ها و پشت جبهه ها، این کوخ نشینان را زحمت بکشید که به همین حال خوی کوخ نشینی و خوی اینکه توجه به کاخها نداشته باشند نگه دارید تا بتوانید ادامه بدهید زندگی صحیح اسلامی را. آن خوی کاخ نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خُوی مضر است. کسی که تمام توجهش به باغداری است او نمی تواند آدم بشود. کسی که تمام توجهش به باغداری است این نمی تواند یک انسان مفید واقع بشود. آنهایی که دامداریشان مفید است برای جامعه، آنها توجه به دامداری ندارند. آنهایی که دامداریشان برای حفظ جامعه است آنها جزء همان کوخ نشینانند. و آنهایی که باغداریشان برای حفظ جامعه است آنها هم اینطور؛ لکن وقتی خوی زمینخواری و باغداری و کاخ نشینی در بین مردم باشد، این اسباب این می شود که انحطاط اخلاقی پیدا بشود. اکثر این خوبیهای فاسد از طبقه مرفه به مردم دیگر صادر شده است.^{۱۰}





کاخ نشینی انسان موفق به بار نمی آورد

شما اگر گردش کنید در بین کاخ نشینان، گمان ندارم که پیدا کنید یک کاخ نشین موفق شده است به یک اختراع. کاخ نشینان بودند که موفق شده‌اند به این اختراعات. طبع قضیه کاخ نشینی، توجه به عیش و عشرت و توجه به دنیا و توجه به مال و منال است و نمی‌تواند شهوت و شکم، این طبقه را مهلت بدهد که در یک امر تفکری وارد بشوند و فکر بکنند. آنهایی که اختراع کرده‌اند، آنهایی که زحمت کشیده‌اند و کتابهای ارزنده تحویل جامعه داده‌اند در هر رشته‌ای، این کاخ نشینان بوده‌اند. طبع کاخ نشینی منافات دارد با تربیت صحیح، منافات دارد با اختراع و تصنیف و تألیف و زحمت. اگر در سرتاسر دنیا هم بخواهید گردش کنید و پیدا کنید، اگر موفق بشوید، یکی دو تا و چند تا است. تمام مصنفین از این کاخ نشینان بودند تقریباً، و تمام مخترعین از همین کاخ نشینان بودند تقریباً. ما وقتی که در مذهب خودمان ملاحظه می‌کنیم که فقه ما آن طور غنی است و فلسفه ما آن طور غنی است، آن اشخاصی که این فقه را به این غنا رساندند و آن اشخاصی که این فلسفه را به این غنا رساندند کاخ نشینان نبودند، کاخ نشینان بودند. «شیخ طوسی» که مبدأ این امور و ارزنده‌ترین اشخاص در جامعه تشیع بوده است یک کاخ نشین نبوده است؛ اگر کاخ نشین بود نمی‌توانست این کُتبی که تحویل جامعه داده است و این شاگردهایی که تحویل جامعه داده است تحویل بدهد. در قشر مرفه نمی‌شود یک همچو کاری انجام بگیرد.^{۱۱}





کاخ نشینان باید در شهوات غوطه ور شوند تا خوشخدمتی کند

نقشه استعمار محو اسلام و احکام مقدس قرآن است. دستگاه جبار مجری مقاصد شوم آنهاست؛ نقشه آن است که به اسم اصلاحات، مملکت را به حال عقب افتادگی نگاه دارند و به اسم دانش دوستی و سپاه دانش، دانشگاه و مدارس علمیه را بکوبند و با نام اسلام احکام مقدس آسمانی را پایمال کنند و با اسم مقدس اسلام و قرآن احکام مسلمانه آن را یکی پس از دیگری محو کنند. شما باید به نظام اجباری بروید و در حبس و زجر و فشار و اهانت و تبعید به سر برید تا راه برای اعمال اجانب و اعمال اسرائیل باز شود. کاخ نشینان باید در شهوات و هرزگیها غوطه ور شوند تا خوشخدمتی کنند و طبقه مزاحم یعنی علمای اعلام اسلام و دانشمندان و جوانان بیدار را از سر راه بردارند؛ خطبا و گویندگان باید از گفتار دم ببندند، مگر آنکه از جنایات و خیانتهای آنها به اسم ترقی و پیشرفت تمجید کنند.^{۱۲}





اضطراب کاخ‌نشینان و آرامش کوخ‌نشینان

من امیدوارم که شما ملت بزرگ و شما ملتی که محروم هستید، لکن پیش خدا عزیز هستید، گمان نکنید که کاخ‌نشینها بسیار مرفه هستند؛ آنها دل‌هایشان لبریز از تزلزل است؛ آنها قلب‌هایشان آرام نیست. تزلزلی که در بین کاخ‌نشینها هست در بین کوخ‌نشینها نیست. آرامشی که این طبقه محروم دارند آن طبقه‌ای که به خیال خودشان در آن بالاها هستند، ندارند. شما اگر توجه کنید، قدرتهای بزرگ را ببینید، می‌بینید که آن قدر اضطرابی که در سران قدرتهای بزرگ هست، در شما اشخاصی که برای خدا عمل می‌کنید و از خدا می‌خواهید اجر را، این اضطراب نیست. این یک نعمتی است که خدا به شما داده و شاید ماها هم نتوانیم درست بفهمیم نعمتهای خفی‌الهی را؛ نعمت طمأنینه، نعمت آرامش، نعمت سکیئه قلب. اطمینان قلب، در شما گروهها و در گروههای به نظر آنها مستضعف، هست و در آن بالاها نیست، آن بالاها، همه اضطراب است. در کاخ‌های بزرگ نشستند و غصه می‌خورند؛ شما در کوخ‌ها نشستید و آن غصه‌ها را ندارید. این از الطاف خداست بر شما و من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی عنایتش را بر سر شما ملت عزیز و همه ملت‌های اسلامی مستدام دارد. ان شاء الله، به زودی آن مستکبرین به جای خودشان بنشینند و آنهایی که به شما ظلم کردند و ستم و هجوم کردند، ان شاء الله، خداوند آنها را فانی کند.^{۱۳}





دولت کاخ نشین شد، فاتحه دولت و ملت را بخوانید

مدرسه نشینها، اینها که زحمت می کشند و کار برای این جمهوری اسلامی می کنند، اینها همین کوخ نشین هایند. حجره های مدرسه را بروند ببینند که چی است و وضعش و فعالیتشان چیست. منزل علمای اسلام را بروند ببینند چی است و وضعش و کارشان چی است. منزل مدرسین جامعه های ما را بروند ملاحظه کنند ببینند که منازلشان چی هست و کارشان چی است. و ما بحمدالله امروز همه دست اندر کارهایمان کاخ نشین نیستند. دولت ما یک دولت کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواستہ، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواستہ، و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشینها خیلی صدمه خوردیم. مجلسهای ما مملو از کاخ نشین بود و در بيشان معدودی بودند که از آن کوخ نشینها بودند، و همین معدودی که از کوخ نشینها بودند از خیلی از انحرافات جلو می گرفتند و سعی می کردند برای جلوگیری. آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد که خانه داشته باشم چطور، و زرق و برق دنیا خدای نخواستہ در آنها تأثیر بکند، آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم.^{۱۴}





وابستگان، ایرانی می خواهند در خدمت طبقات مرفه

عزیزان من، شما پیروز و منصورید چه در راه حق تعالی به نصرت ظاهری برسید و چه شهید و معلول و اسیر شوید. حق تعالی با شماست و دست توانای بقیه الله که یدالله است دستگیر شما. آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد...

آنان که به خیال خود برای ایران دل می سوزانند و به ادعای واهی برای ملت ایران غمناکند، ایرانی را می خواهند که مستشاران امریکا گردانندگان آن باشند. ایران وابسته و دلبسته به اجنبی را می خواهند. ایران زمان پهلوی را که غرق فساد اخلاقی و بر باد ده شرف انسانی بود را می خواهند. ایرانی را که سرپرستش مظلومان را غارت کند و جیب آنان را پر کند و سرمایه هایش در خدمت طبقات مرفه و بالانشین باشد، و مستمندان و کوخ نشینان در فقر و محرومیت بسوزند و هیچ کس به فکر آنان نباشد. و بالاخره ایرانی را می خواهند که به اصطلاح شخص اولش در مقابل رئیس جمهور امریکا چون دریوزگان، گردن کج کند تا مظلومان را پایمال کند. آن روز ایران را مستقل و زنده می دانند، و امروز که به برکت اسلام جوانان و کودکان و پیران و خردسالان از هر طبقه بیدار و متحول شدند و همه قید و بندهای استعماری و استثماری را بریدند و با مشت گره کرده امریکا و اذنان او را از کشور راندند ایران را مرده و وابسته می دانند! و شما ملت عظیم الشان هستید که باید چون کوه سر به فلک کشیده در مقابل همه مشکلات بایستید و خداوند تعالی با شماست.^{۱۵}





ملت عدالت می خواهد نه وزارت خانه کاخ

ملت عدالت می خواهد، اتاق بزرگ نمی خواهد. ملت وزارتخانه می خواهد، وزارتخانه اسلامی، نه آن وزارتخانه کاخ دادگستری، کاخ نخست وزیری، کاخ وزارت مالی، هی کاخ! کاخ مال ملت است. این تزییناتی که الآن در این کاخها موجود است، علاوه بر اینکه بسیاری اش یا بعضی اش از محرّمات است و حتماً باید دولت توجه کند به آن، .. نباید تحت تأثیر واقع بشود و هر طوری سابق بوده همان طوری که در زمان محمدرضاشاه خان بوده است حالا هم همان فرم باشد. پس شما چکاره اید! تو که می گویی من مسلمان هستم، چکاره هستی؟ ما یکی یکی باید بگوئیم؟ دانه دانه باید بسپاریم؟ اینها باید اصلاح بشود ..

اینها همه متعهدند، همه مسلمانند، لکن ضعیف النفسند! می ترسند که مبدا یک وقت میهمانی از اجانب بیاید در کاخ دادگستری یا در کاخ نخست وزیری و آنجا ببیند که یک [محیط] محقری است؛ باید حتماً به فرم غرب باشد؟!^{۱۶}

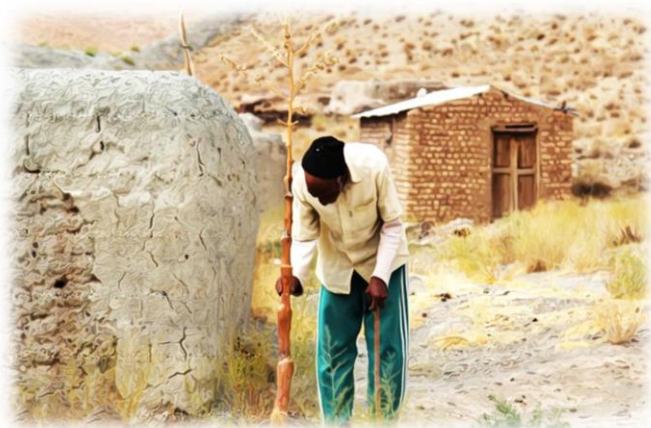




کاخها باید بروند، دادخواهی به جای آن بنشینند

باید تمام این کاخهای وزارتخانه‌ها را که میلیونها، میلیاردها مال ملت در آن صرف شده است، باید اینها تبدیل بشود به یک چیز معتدل اسلامی. این فرم فرم خارجی است، فرم اجنبی است، فرم طاغوت است. در دادگستری «کاخ» درست شده است لکن دادگستری نیست، دادخواهی نیست، فقط کاخ است. کاخها باید بروند، دادخواهی به جای آن بنشینند. بانکها بتدریج باید تعدیل بشود، و «ربا» بکلی قطع بشود...

اینقدر ضعیف‌النفس نباشید! ما قانون غنی داریم؛ ما قانون الهی داریم. آنهایی که فرم غربی را بر فرم الهی ترجیح می‌دهند، اینها از اسلام اطلاع ندارند. آنهایی که می‌گویند نمی‌شود اسلام را در این زمان پیاده کرد، برای این [است] که اسلام را نشناخته‌اند؛ نمی‌فهمند چه می‌گویند.^{۱۷}





ملت توی این غارها زندگی بکند و شما در کاخ !

ضعیفید آقا! تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید. آن وقتی که نفَس شما قوی شد و اعتنا نکردید، اعتنا به این زخارف نکردید، آن وقت است که از شما حساب می‌برند. صدر اسلام را مطالعه کنید ببینید چه جور بوده وضع. آنهایی که ممالک را فتح کردند، آنهایی که دنیا را گرفتند، آنهایی که قدرتشان را بر عالم نشان دادند، زندگی‌شان چه جور بود؟

... دولت‌ها بفهمند که قدرت به این نیست که ظرف طلا باشد و ظرف نقره باشد، قدرت به این نیست که پرده‌های کذا باشد، بزرگی و عظمت به این نیست که پرده‌های کذا باشد و مبلهای کذا باشد از مال این ملت ضعیف! خود ملت توی این غارها زندگی بکند و شما در کاخهای دادگستری و در کاخهای نخست‌وزیری؟! تعدیل کنید خودتان را؛ اگر از خودتان شروع نکنید نمی‌توانید اصلاح کنید. وزارتخانه‌ها را اصلاح کنید. همه درد و بلائی ما این است که ما غربزده هستیم. ما سالهای طولانی زیر بار غرب بودیم، زیر بار امریکا بودیم، سالهای متمادی مأنوس شدیم ما. اصلاً قلوبمان قلوب غربی است. متبدل شدیم به یک انسان غربی.^{۱۸}





کاش کاخ نشینان حال دردمندان ما را می دیدند

کاش کاخ نشینان، حال دردمندان ما را مشاهده می کردند تا به جنایات دولت جبار امریکا دامن نزنند، و برای سازمانهای بین‌المللی و شورای امنیت ننگ و نفرین به بار نیاورند^{۱۹}





ذخایری که باید صرف مستمندان و زاغه نشینان می شد

ما پنجاه سال مظلوم واقع شده ایم و تاریخ ما، تاریخ عالم اگر چنانچه ضبط کنند تاریخ ایران را، شاهد بر این بوده است که ما از زمانی که رضاخان آمده است در ایران و او را انگلیسیها آوردند و تا این وقتی که محمدرضا بود که او را امریکاییها تأیید می کردند و دنبال حرفهای آنها بودند، ما در این پنجاه سال همه چیزمان به باد رفته است. ما یک ملت مظلوم هستیم. در این پنجاه سال، ذخایرمان که باید صرف مستمندان ما، زاغه نشینان ما بشود، برده شده است. و به کاخ نشینان داده اند و ابرقدرتها از آن استفاده کردند. ملت ما روی یک گنج بزرگی که آن نفت است، نشسته اند و گرسنگی می خورند. و امریکا و امثال امریکا این مخزنهای ما را می بردند، چپاول می کردند در این پنجاه سال و می دادند به اشخاصی که کاخ نشین هستند و قدرت طلب هستند. و می دادند به اجانب و در مقابلش برای این ملت هیچ چیز نبود.^{۲۰}





اسلام نه با سرمایه داری موافق است نه با کمونیسم

امروز ما گرفتار دو جریان هستیم: یکی آن جریانی است که همین که به نفع مستضعفین و محرومین سخن گفته شود واز کاخ نشین‌ها وغاصبین حقوق مردم صحبتی بشود می‌گویند این همان کمونیسم است. و جریان دیگر این که وقتی گفته شود خودسرانه اقدام به تقسیم زمین یا گرفتن اموال ننمایید، می‌گویند طرفداری از سرمایه داران و فئودال‌ها شده است. در حالی که همان طور که می‌دانید اسلام نه با سرمایه داری موافق است نه با کمونیسم. اسلام راه و رسم دیگری غیر از اینها دارد.^{۲۱}





ظالمان با این منطق مخالفند

ما تمام مسائلمان، مسائل مظلوم است در مقابل ظالم. غارت شده است در مقابل غارتگر. کشته شده است در مقابل کشنده. اینها مسائل ماست و از اینها خارج نیست. ما می خواهیم مملکتمان مال خودمان باشد. مستقل باشیم. ما می خواهیم آزاد باشیم. مطبوعاتمان آزاد باشد. قلمهایمان آزاد باشد. ما می خواهیم ذخایر مملکتمان خرج مملکتمان بشود. گرسنه ها را سیر کنیم. برهنه ها را لباس بدهیم. بی خانه ها را خانماندار کنیم. ظالمها با این منطق مخالف اند.^{۲۲}





نگاه سرمایه داری رژیم پهلوی همچون دولتهای اموی و عباسی

تفاوت بین رژیم پهلوی با رژیمهای سابق و دولت اموی و عباسی این بود که [در عین حال که] همه آنها در یک معنا مشترک بودند، و آن اینکه نمیخواستند اسلام آنطوری که هست تحقق پیدا بکند. هم بنی امیه این مطلب را میخواستند اسلام را به حسب ظاهر قبول داشتند و در راه او هم کارهایی میکردند، و جماعت جمعه را همان سلاطینشان به جا میآوردند، هم بنی امیه، هم بنی عباس. لکن نمیخواستند آن اسلامی که پیغمبر اکرم فرموده است و اهل بیت آن را میشناختند نمیخواستند آن تحقق پیدا بکند؛ برای اینکه آن اسلام آن بود که خود پیغمبر و امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - رأس آن بودند و زندگی شان آن بود، اینها میدیدند که اگر اسلام را به آن نحو بخواهند ارائه بدهند، به آنطوری که اهل بیت میخواستند ارائه بدهند، اینها ارائه بدهند، خوب، نمی توانند دیگر کاخ داشته باشند و آن مسائل. مردم در آن کوخها باشند؛ و آنها در آن کاخهای با عظمت باشند، که بعد از اینکه بعضی شان مردند، طلاهایشان را با کلنگ می شکستند و تقسیم می کردند! اسلام یک همچون عنوان سرمایه داری به آن معنایی که هست نمی پذیرد، اسلام قواعد دارد. ۳۳





محلّه های کوخ نشین حاصل اصلاحات ارضی شاه

این «اصلاحات ارضی» که آقا گفتند و آنقدر طمطراق کردند، «اصلاحات ارضی» به امر دولت امریکا بود برای اینکه بازار درست کنند که چیزهای آنها فروش برود؛ یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج بشویم. الآن هم که می بینید، که هر چی می خواهیم از خارج باید بیاید. زراعت ما این جور شد؛ زراعت ما را آن جور کردند. خوب، مردم ریختند، آن زارعین بیچاره‌ای که دیگر در آنجا نتوانستند زندگی کنند، ریختند به شهرها، به تهران. الآن تهران یک محالّ زیادی، چندین محل، حدود سی - چهل تاست که برای من نوشته بودند، محلّه‌های کوخ نشین، محلّه‌هایی که خانه‌های گلی دارد که هیچ چیز ندارد که ده نفر عائله در یک چادر کوچکی در این زمستان سرد زندگی باید بکنند؛ که آب ندارد؛ باید آب را از پنجاه - شصت پله بروند بالا، لب خیابان برسند - تو گودال منزلشان است - لب آن خیابان برسند و از آنجا آب را بردارند بیاورند از این پله‌ها پایین برای بچه‌هایشان. این چه شد؟ برای اینکه «اصلاحات ارضی» فرمودند! [با] اصلاحات ارضی به هم خورد اوضاع دهقانها. و وقتی که به هم خورد اوضاع آنها، چاره نداشتند که رو بیاورند به شهرستانها. ^{۲۴}





آنها به کاخ نشینان خدمت کردند و شما به کوخ نشینان

امروز نغمه اینکه برای ایران، دولت ایران هیچ کاری نکرده است و مستکبر مستکبر تر شده است و مستضعف مستضعفتر، این نغمه شوم را که باید از دهن امریکا و از دهن شوروی خارج بشود، اینهایی که در ایران خودشان را مسلم می‌دانند، اینها این نغمه را از گلوهای خودشان بیرون بیندازند. البته یک دسته هستند فضول و شیطان که از اسلام ضربه دیده‌اند، و آنها ارباب بزرگ خودشان را از دست داده‌اند، و اینها هم اخیراً ارباب بزرگشان را از دست داده‌اند، اینها برای خاطر اینکه اربابها از دستشان رفته است شیطنت می‌کنند، و همینها یک دسته ساده‌لوح را که بیغرض هستند، اینها را وادار می‌کنند تبلیغات می‌کنند، و آنها هم هر جا یک اجتماعی به دستشان برسد، در نماز جمعه مثلاً اگر یک وقت دستشان برسد، در مجلس اگر یک وقتی تریبون به دستشان بیاید، همان حرفهایی را که باید از حلقوم امریکا و شوروی بیرون بیاید که برای این ملت هیچ کاری نشده است، همان مطلب از حلقوم این بیچاره‌ها بیرون می‌آید. یک دسته گولخورده و یک دسته شیطان، یک دسته که می‌خواهند جمهوری اسلامی نباشد هر چه می‌خواهد باشد، آن می‌گوید شوروی باشد و کمونیسم، آن می‌گوید امریکا باشد و غرب؛ و این دو دسته که به نظر می‌رسد با هم تفاهم کرده‌اند، یک اشخاص ساده‌لوح را چه در مجلس و چه در خارج مجلس وادار می‌کنند که مسائلی را طرح بکنند که هر چه بیشتر ملت ایران را مأیوس کنند. شما برادرانی که چهار سال است دارید برای این مردم خدمت می‌کنید، و خدمتهایی که شما برای این



ملت کرده‌اید در طول تاریخ شاهنشاهی نشده است. آنها همه خدمتشان را برای کاخ نشینان کرده‌اند و شما خدمتتان را برای کوخ نشینان، اینها را در نظر نمی‌آورند. پاسدارهایی که این همه خدمت در جبهه‌ها کرده‌اند و در خارج جبهه‌ها کرده‌اند، و این طور دست منافقین را از این کشور کوتاه کرده‌اند، اینها خدمت نیست؟! خدمت باید به طرز امریکایی‌اش باشد یا به طرز شوروی؟!^{۲۵}





لزوم اتکا به جوانان و اقشار مستضعف

تحول بزرگی که در مملکت ما حاصل شده است و جوانهای ما را کشانده است در خدمتگزاری به خلق و خدمتگزاری به خدای تبارک و تعالی، باید ما از نیروی این جوانها استمداد کنیم. ما از اول هم امیدمان به ملت و جوانهای برومند ملت بود. ما همیشه توجه مان به خود ملت، به نیروی انسانی - الهی ملت بوده است و با استمداد از همین طبقه کارگر، طبقه تحصیلکرده جوان، بازاریها، از همین طبقات به قول آنها «طبقات پایین»، و به قول من طبقات بالا، استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را به اینجا رساندند. و اینها هستند که می توانند به پیش ببرند. اینها بودند که در آن وقت که نهضت کرده بودند، نشستند که فلان استاندار با آنها همراهی کند، یا فلان اداره با آنها همراهی کند. اینها خودشان قیام کردند، و بسیاری از ادارات و کارمندان ادارات هم کمک کردند ..

این ملت ما در طول پنجاه سال یک طرز فکری برایش پیدا شده است، یک وضعی در دماغش پیدا شده است، که به این زودی نمی شود عوضش کرد. آنهایی که در خدمت رژیم بودند و چندین سال خدمت کردند به آنها، و الآن هم خدمتگزار به اجانب هستند و الآن هم آرزوی این را می کنند که باز آن رژیم و یا فاسدتر از او برگردد که اینها باز کاخ نشین بشوند و ملت ما حتی کوخ هم پیدا نکند. ۲۶





استمداد از نیروی جوانان و اقشار مستضعف

تحول بزرگی که در مملکت ما حاصل شده است و جوانهای ما را - که بسیاری در مراکز غیرمشروع بوده‌اند - کشانده است در خدمتگزاری به خلق و خدمتگزاری به خدای تبارک و تعالی، باید ما از نیروی این جوانها استمداد کنیم. ما از اول هم امیدمان به ملت و جوانهای برومند ملت بود. ما همیشه توجه مان به خود ملت، به نیروی انسانی - الهی ملت بوده است. و با استمداد از همین طبقه کارگر، طبقه تحصیلکرده جوان، بازاریها، از همین طبقات به قول آنها «طبقات پایین»، و به قول من طبقات بالا، استفاده کردیم. اینها بودند که نهضت را به اینجا رساندند. و اینها هستند که می‌توانند به پیش ببرند... لکن در بین اینها اقشاری هستند، افرادی هستند، که الآن هم مشغول کارشکنی هستند. و اینکه می‌بینید که به شما کمک نمی‌کنند، این روی همان طرز فکری است که اینها در آن رژیم طاغوتی داشتند، که آن طرز فکر را به این زودی نمی‌توانیم ما عوض کنیم. این ملت ما در طول پنجاه سال یک طرز فکری برایش پیدا شده است، یک وضعی در دماغش پیدا شده است، که به این زودی نمی‌شود عوضش کرد. آنهایی که در خدمت رژیم بودند و چندین سال خدمت کردند به آنها، و الآن هم خدمتگزار به اجانب هستند و الآن هم آرزوی این را می‌کنند که باز آن رژیم و یا فاسدتر از او برگردد که اینها باز کاخ‌نشین بشوند و ملت ما حتی کوخ هم پیدا نکند.^{۲۷}





جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی است

جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرتهای شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابریهای دنیای سرمایه داری و کمونیزم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی های مرفهین و حاکمان بی درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزشهای اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمیهاست.

رزمندگان ما در دنیای پاکِ اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می کنند و مسلمین جهان هم که می دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهانخواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه های خود را بر همه کاخ نشینان وارد می کنند.^{۲۸}





منابع

- ۱ بیانات در حسینیه جماران ۱۳۶۲/۱/۱ - جلد ۱۷ صحیفه امام
- ۲ بیانات در حسینیه جماران ۱۳۶۲/۱/۱ - جلد ۱۷ صحیفه امام
- ۳ بیانات در قم در جمع اعضای کمیته امداد ۱۳۵۸/۸/۸ - جلد ۱۰ صحیفه امام
- ۴ بیانات در حسینیه جماران با حضور اقشار مختلف مردم جنوب تهران و گودنشینان - جلد ۱۴ صحیفه امام خمینی
- ۵ بیانات در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی از شهرک ولیعصر. قم ۱۳۵۸ / ۷ / ۱۵ - جلد ۱۰ صحیفه امام
- ۶ بیانات در حسینیه جماران با حضور اقشار مختلف مردم جنوب تهران و گودنشینان. جلد ۱۴ صحیفه امام
- ۷ بیانات در قم در جمع اعضای کمیته امداد ۱۳۵۸/۸/۸ - جلد ۱۰ صحیفه امام
- ۸ بیانات در حسینیه جماران با حضور اقشار مختلف مردم جنوب تهران و گودنشینان - جلد ۱۴ صحیفه امام
- ۹ بیانات در حسینیه جماران با حضور اقشار مختلف مردم جنوب تهران و گودنشینان - جلد ۱۴ صحیفه امام خمینی
- ۱۰ بیانات در حسینیه جماران ۱۳۶۲/۱/۱ - جلد ۱۷ صحیفه امام
- ۱۱ بیانات در حسینیه جماران ۱۳۶۲/۱/۱ - جلد ۱۷ صحیفه امام
- ۱۲ بیانات در جمع علما و روحانیون حوزه‌های علمیه قم، مشهد و تهران. نجف ۱۳۴۶/۱/۲۷ - جلد ۲ صحیفه امام
- ۱۳ بیانات در حسینیه جماران با حضور اقشار مختلف مردم جنوب تهران و گودنشینان. جلد ۱۴ صحیفه امام
- ۱۴ بیانات در حسینیه جماران ۱۳۶۲/۱/۱ - جلد ۱۷ صحیفه امام
- ۱۵ بیانات در حسینیه جماران ۶۳/۱۱/۲۲ - جلد ۱۹ صحیفه امام
- ۱۶ بیانات در جمع علما و روحانیون حوزه علمیه قم ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ - جلد ۶ صحیفه امام
- ۱۷ بیانات در جمع اهالی قم دیگر شهرستانها. مدرسه فیضیه قم ۱۳۵۷/۱۲/۱۰ - جلد ۶ صحیفه امام
- ۱۸ بیانات در جمع علما و روحانیون حوزه علمیه قم ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ - جلد ۶ صحیفه امام





-
- ۱۹ پیام به ملت ایران و جامعه معلولین و مصدومین. قم ۱۳۵۸/۱۰/۹- جلد ۱۱ صحیفه امام
- ۲۰ پاسخ به سوالات خبرنگار ژاپنی. قم ۱۳۵۸/۹/۵- جلد ۱۱ صحیفه امام
- ۲۱ بیانات در جمع اعضای شورای نگهبان. جماران ۱۳۶۰/۱/۲۷- جلد ۱۴ صحیفه امام
- ۲۲ پاسخ به سوالات خبرنگار ژاپنی. قم ۱۳۵۸/۹/۵- جلد ۱۱ صحیفه امام
- ۲۳ بیانات در جمع هیئت فاطمین تهران. قم ۱۳۵۸/۷/۴- جلد ۱۰ صحیفه امام
- ۲۴ بیانات در باریس. نوفل لوشاتو در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم پاریس ۱۳۵۷/۷/۲۱- جلد ۳ صحیفه امام
- ۲۵ بیانات در حسینییه جماران ۶۲/۳/۱- جلد ۱۷ صحیفه امام
- ۲۶ بیانات در جمع اعضای کمیته امداد. قم ۱۳۵۸/۸/۸- جلد ۱۰ صحیفه امام
- ۲۷ بیانات در قم در جمع اعضای کمیته امداد ۱۳۵۸/۸/۸- جلد ۱۰ صحیفه امام
- ۲۸ به مناسبت شهادت دهها هموطن در جریان سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا. جماران ۱۳۶۷/۴/۱۳- جلد ۲۱ صحیفه امام



کوخ و کاخ تنها دو نقطه متضاد نیستند که دسته ای از انسانها، فقرا یا ثروتمندان را در خود جای می دهند بلکه تداعی کننده دو فرهنگ و خلق و خو هستند. از این رو ست که کوخ نشینها و کاخ نشینها اهمیت پیدا می کنند و وقتی به تاریخ نگریسته شود رد پای آنها در نبرد حق و باطل مشاهده می شود. در یگانه مبارزه تاریخی بشر که در هر عصری به صورتی ادامه یافته است همین دو گروه مقابل یکدیگر قرار گرفته اند؛ مستکبرانی که جریان باطل نمودی و فرعونی را حمایت می کرده اند و مستضعفانی که فطرت پاکشان مجذوب پیام الهی فرستادگان پروردگار می شد و به یاری آنها به پامی خاستند. این تقابل در انقلاب اسلامی نیز به وقوع پیوست، کوخ نشینهای عصر ما به ندای خمینی کبیر لبیک گفتند و امام راحل هرگز نقش آنها را در پیروزی نهضت اسلامی از یاد نبردند. در نگاه پیر خمین، کوخ نشینها صاحبان اصلی انقلاب اسلامی هستند که در همه صحنه ها از خود گذشتگی نشان داده و برای پیشبرد انقلاب اسلامی تلاش کرده اند. مسئولین باید خود را خدمتگزار آنها بدانند و از طرف دیگر مراقب باشند دچار خوی کاخ نشینی نشوند که باعث ایجاد انحراف در مسیر انقلاب اسلامی خواهد شد. این جزوه جستاری است در بیانات رهبر کبیر انقلاب پیرامون این مفهوم



هسته توانمندسازی / حرکت های جهادی
قرارگاه شهید باقری - سازمان بسیج دانشجویی
آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع مفتوح،
سازمان بسیج دانشجویی، ساختمان شهید باقری
www.Jahadgaran.org
info@jahadgaran.org
شماره تماس: ۰۲۱ - ۸۷۵۵۱۲۹۷
سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۲۱۸۷۵۵۱۲۹۷